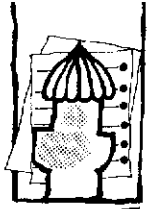


فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت (ع) در «معجم» های طبرانی

هادی قُبَیسی عاملی*

گردآوری روایات رسیده از طریق اهل سنت، برای تثبیت و تبیین فضایل و مناقب اهل بیت (ع) همواره مد نظر عالمان و محدثان شیعی بوده است. آثاری همچون «مناقب» ابن شهر آشوب (م ۵۵۸ق) و نیز «اهل البيت فی الکتاب و السنّة» (اولین کتاب از «موسوعة میزان الحکمة») در این راستا تالیف شده اند.

محقق و کتاب شناس بزرگ معاصر، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی، در تداوم این رشته، اقدام به برنامه ریزی برای جمع آوری همه احادیث فضایل، مناقب، مشالب و اکاذیب در تمام کتاب های حدیثی اهل سنت کرد؛ ولی افسوس که در آستانه گردآوری آنها به دیار باقی شتافت. محقق محترم، آقای هادی قُبَیسی عاملی توفیق یافته است که نشانی احادیث مربوط به موضوع های یاد شده را در سه «معجم» کبیر، اوسط و صغیر سلیمان بن احمد طبرانی، محدث بزرگ اهل



سنت (م ۳۶۰ق) یافته و با جمع آوری، تدوین و ارائه موضوعی آنها نمونه ای را از طرح مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی ارائه کند. *گفتمنی است اصل اثر جناب قبیسی به زبان عربی است و فصلنامه علوم حدیث برای استفاده همگان، عنوان ها و پاره ای از توضیحات بخش نخست نوشته ایشان را به فارسی ترجمه کرده است. به امید آنکه توفیق الهی با عزم راسخ ایشان یار گردد و این کار به سامان رسد!

علوم حدیث

پاداش دوستداران اهل بیت و کیفر دشمنان آنها

[ثواب من أحب أهل البيت و عقاب من أبغضهم]

عن ابی لیلی، عن الحسین بن علی، أن رسول الله (ص) قال: إلزموا مودتنا أهل البيت. فإنه من لقی الله - عز و جل - وهو یودنا، دخل الجنة بشفاعتنا. والذی نفسی یدیه، لا ینفع عبداً عمله إلا بمعرفة حقنا. [و در حدیث دیگر:] ایها الناس! من أبغضنا أهل البيت، حشره الله یوم القيامة یهودياً، وإن صام وصلی و زعم أنه مسلم. ^۱

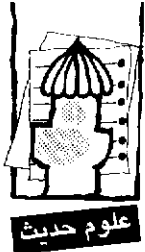
گفتمنی است که ده ها روایت و بسا بیشتر در این معنا وارد شده است و خداوند، نیل به بهشت را با شفاعت و محبت و دوستی اهل بیت، همراه کرده است.

* ویژگی های کتاب شناختی متون مورد استفاده محقق:

المعجم الصغير، ۲، راجعه: عبدالرحمان محمد عثمان، المدينة المنورة: المكتبة السلفية، ۱۹۶۸ م.
المعجم الاوسط، تحقیق: محمود الطحان، الرياض: مكتبة المعارف، ۱۹۸۵ م، ج ۱.
المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بغداد: الدار العربية للطباعة، بغداد، ۱۹۷۸ م، ج ۲۵.

۱. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۷۶ (ح ۲۱۴۶) و ص ۸۹ (ح ۲۱۷۷) و ص ۱۲۲ (ح ۲۲۵۱) و ص ۲۰۴ (ح ۲۴۲۶) و ج ۵، ص ۱۳ (ح ۴۰۱۴) و ص ۸۹ (ح ۴۱۶۳) و ص ۳۷۷ (ح ۴۷۴۸)؛ المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۹۶ (ح ۶۱۰۹) و ج ۱۰ ص ۳۴۱ (ح ۱۰۶۶۴) و ج ۲۳، ص ۳۷۴ (ح ۸۸۵) و ص ۳۷۵ (ح ۸۸۶) و ج ۲۴، ص ۲۸۱ (ح ۷۱۳).





سلام بر آل یاسین

[سلام علی آل یاسین]

عن ابن عباس : سلام علی آل یاسین . قال : فی آل محمد (ص) .^۲

هم پایه بودن حرمت اسلام و رسول خدا و خویشانش

[حرمة الإسلام و حرمتی و حرمة رحمی :]

عن ابي سعيد الخدري ، أن رسول الله (ص) قال : إن لله - عزّ وجلّ - حُرّمات ثلاثاً . من حفظهن ، حفظ الله له أمر دينه و دُنياه ، و من ضيَعهنّ ، لم يحفظ الله له شيئاً . فقيل : و ما هنّ يا رسول الله ؟ قال : حرمة الإسلام و حرمتی و حرمة رحمی .^۳

اعلان جنگ پیامبر (ص) به محاربان با اهل بیت (ع)

و اعلان صلح به صلحجویان با آنان

[أنا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم]

این نص صریح از پیامبر اکرم (ص) در اعلان جنگ به هر کسی است که با اهل بیتش بیجنگد و مسالمت با هر کسی است که با آنان مسالمت ورزد .

زيد بن أرقم : أن النبي (ص) قال لعلي و فاطمة و الحسن و الحسين : أنا حرب لمن

حاربتهم و سلم لمن سالمتم .^۴

این حدیث ، مشهور است .

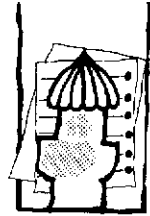
۲ . المعجم الكبير ، ج ۱۱ ، ص ۶۷ (ح ۱۱۰۶۴) .

۳ . المعجم الاوسط ، ج ۱ ، ص ۱۶۲ (ح ۲۰۵) ؛ المعجم الكبير ، ج ۳ ، ص ۱۳۵ (ح ۲۸۸۱) .

۴ . المعجم الصغير ، ج ۲ ، ص ۳ ؛ المعجم الاوسط ، ج ۶ ، ص ۸ (ح ۵۰۱۱) و ج ۸ ، ص ۱۲۸ (ح ۷۲۵۵) و

ج ۵ ، ص ۲۰۷ (ح ۵۰۳۰) و (ح ۵۰۳۱) .





آیه تطهیر [آیه التّطهیر]

این آیه، هنگامی که پیامبر خدا(ص) و اهل بیتش (یعنی فاطمه و همسر و پسرانش حسن و حسین) داخل عباى یمنى شدند، درباره آنان نازل شد.

حدیث، مفصل و در محل خود مذکور است. ۵

نزول آیه، درباره اهل بیت، از مسلمات است و دوست و دشمن و دور و نزدیک بدان معترف اند،

آیه مودت [آیه المودّة]

عن ابن عباس، قال: لما نزلت «قل لا أسألكم عليه أجرأ إلا المودّة فى القربى» قالوا: يا رسول الله! ومن قرباتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودّتهم؟ قال: على و فاطمة و ابناهما. ۶

حدیث ثقلین [حدیث الثقلین]

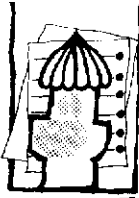
پیامبر(ص) این حدیث را در مواضع متعدد، از جمله: هنگام حج و روز عرفه و مناسبت های دیگر فرموده است و در آن، مقام و منزلت اهل بیت(ع) را تبیین کرده و آنان را هم سنگ قرآن و کفه مقابل آن دانسته، آنجا که فرموده است:

إنى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتى اهل بيتى. ما إن تمسكتم بهما، لن تضلّوا

۵. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۶۵ و ۱۳۵؛ المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۴۹۱ (ح ۱۸۴۷) و ج ۳، ص ۸۷ (ح ۲۱۷۶) و ص ۱۳۶ (ح ۲۲۸۱) و ج ۴، ص ۲۷۱ (ح ۳۴۸۰) و ص ۴۷۹ (ح ۳۸۱۱) و ج ۸، ص ۲۹۷ (ح ۷۶۱۰) و ج ۹، ص ۵۸ (ح ۸۱۲۳)؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۱ (ح ۸۲۹۵) و ج ۲۲، ص ۶۶ (ح ۱۶۰) و ص ۲۰۰ (ح ۵۲۵) و ص ۴۰۲ (ح ۱۰۰۲) و ج ۲۳، ص ۲۴۹ (ح ۵۰۳) و ص ۲۸۱ (ح ۶۱۲) و ص ۲۸۶ (ح ۶۲۷) و ص ۳۹۶ (ح ۹۴۷) و ص ۳۵۷ (ح ۸۳۹) و ص ۳۳۷ (ح ۷۸۳) و ص ۳۳۴ (ح ۷۷۳) و ص ۳۳۳ (ح ۷۶۸ و ۷۶۹) و ص ۳۳۴ (ح ۷۷۰ و ۷۷۱) و ص ۲۲۷ (ح ۷۵۰).

۶. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۷۶؛ المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۸۷ (ح ۲۱۷۶) و ج ۶، ص ۳۵۴ (ح ۵۷۵۴)؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۳۹ (ح ۲۶۴۱) و ج ۱۱، ص ۴۴۴ (ح ۱۲۲۵۹).





بعدي ابدأ. فانظروا كيف تخلفوني فيهما. ۷

این حدیث، نزد هر دو فرقه (شیعه و اهل سنت) متواتر است.

حدیث سفینه [حدیث السفینه]

شیعه و سنی، این روایت را با الفاظ گوناگون نقل کرده اند، مانند: مثل اهلی فیکم کمثل سفینه نوح فی قوم نوح، من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك. و مثل اهل بیتی مثل باب حطه، من دخله عُفِّر له. ۸

صلوات بر پیامبر و خاندانش (ع)

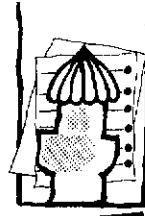
[الصلوة علی النبی وآله (ع)]

قال رسول الله (ص): لاتصلوا علی الصلاة البتراء. قيل يا رسول الله: وما الصلاة

البتراء؟ قال: أن تقولوا: «اللهم صلّ علی محمد» ولا تقولوا: «وآل محمد». ۹

- ۷. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۳۱ (ح ۱۳۵)؛ المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۶۲ (ح ۳۴۶۳) و ص ۳۲۸ (ح ۳۵۶۶) و ج ۵، ص ۳۸۰ (ح ۴۷۵۴)؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۲۰۰ (ح ۳۰۵۲) و ص ۶۳ (ح ۲۶۷۹-۲۶۸۱) و ج ۵، ص ۱۷۰ (ح ۴۹۲۱-۴۹۲۳) و ص ۱۸۵ (ح ۴۹۶۹) و ص ۱۹۰ (ح ۴۹۸۰-۴۹۸۲) و ص ۲۰۵ (ح ۵۰۲۵ و ۵۰۲۶) و ص ۲۰۶ (ح ۵۰۲۸) و ص ۲۱۰ (ح ۵۰۴۰).
- ۸. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۳۹ و ج ۲، ص ۲۲؛ المعجم الاوسط؛ ج ۴، ص ۲۸۳ (ح ۳۵۰۲) و ج ۶، ص ۱۸۶ (ح ۵۳۸۶) و ص ۲۵۱ (ح ۵۵۳۲) و ص ۴۰۶ (ح ۵۸۶۶)؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۳۷ (ح ۲۶۳۶) و ج ۱۲، ص ۳۴ (ح ۱۲۳۸۸).
- ۹. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۸۶؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۴۰۸ (ح ۷۲۵) و ج ۳، ص ۱۸۸ (ح ۲۳۸۹) و ص ۲۷۹ (ح ۲۶۰۶) و ص ۲۸۰ (ح ۲۶۰۸) و ص ۴۵۶ (ح ۲۹۷۹) و ج ۵، ص ۲۴۳ (ح ۴۴۷۸) و ج ۷، ص ۴۲۹ (ح ۶۸۳۴)؛ المعجم الكبير، ج ۵، ص ۲۴۹ (ح ۵۱۴۳) و ج ۱۹، ص ۱۱۶ (ح ۲۴۱ و ۲۴۲) و ص ۱۲۳ (ح ۲۶۶) و ص ۱۲۴ (ح ۲۶۷-۲۶۹) و ص ۱۲۵ (ح ۲۷۱ و ۲۷۲) و ص ۱۲۶ (ح ۲۷۳ و ۲۷۴) و ص ۱۲۷ (ح ۲۷۵-۲۷۷) و ص ۱۲۸ (ح ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۳) و ص ۱۳۰ (ح ۲۸۴-۲۸۶) و ص ۱۳۱ (ح ۲۸۷-۲۸۹) و ص ۱۳۲ (ح ۲۹۰-۲۹۲) و ص ۱۵۴ (ح ۳۴۱) و ص ۳۴۲.





و این، همان گونه که آشکار است، نص صریح در پذیرفته نشدن صلوات بر پیامبر بدون درود فرستادن بر خاندانش است و روایات هر دو فرقه در این موضوع، متواتر است.

آخرین سخن رسول خدا(ص)

[آخر ما تکلم به رسول الله(ص)]

عن ابن عمر قال: كان آخر ما تكلم به رسول الله(ص):

أخلفوني في أهل بيتي.^{۱۰}

اگرچه این آخرین سخن است؛ اما افزون بر این، پیامبر(ص) خواست که به آن، وصیت هم بکند و برایشان نوشته ای هم بگذارد، آن هنگام که گفت: «برایم دوات و قلم بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید». پس خلیفه دوم گفت: هذیان می گوید!

بیعت پیامبر(ص) با انصار و شروط آن

[النبي(ص) بايع القوم وأخذ عليهم شروطاً]

عن الحسين بن علي، قال: جاءت الأنصار تباع رسول الله(ص) على العقبة. فقال: «قم يا علي! فبايعهم». فقال: علي ما أبايعهم يا رسول الله؟ قال: علي أن يُطاع الله ولا يُعصى، وعلي أن تمنعوا رسول الله و أهل بيته و ذريته مما تمنعون منه أنفسكم و ذراريكم.^{۱۱}

دوازده امام که همگی از قریش اند

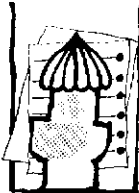
[اثنا عشر أميراً كلهم من قریش]

عن جابر بن سمرّة، عن النبي(ص) قال: لا يزال هذا الدين صالحاً لا يضره من عاداه أو

۱۰. المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۵۱۲ (ح ۳۸۷۲) و ج ۶، ص ۱۶۲ (ح ۵۳۳۴).

۱۱. همان، ج ۲، ص ۴۴۳ (ح ۱۷۶۶).





ناواه حتی یملك اثنا عشر أميراً كلهم من قريش . ۱۲

این سخن، جز بر امیر مؤمنان، علی (ع)، و یازده فرزندش که نه نفرشان از صلب حسین (ع) هستند، صدق نمی کند.

حدیث کسا [حدیث الکساء]

إن رسول الله (ص) دخل تحت كساء يمانى هو و على و فاطمة و الحسن و الحسين (ع) و أخذ بأطرافه و ضمّه فوق رؤوسهم و أهوى بيده اليمنى إلى ربه . فقال : «اللّهم! هؤلاء أهل بيتي . فأذهب عنهم الرجس ، و طهرهم تطهيراً» ثلاث مرات . ۱۳

این حدیث، نزد هر دو فرقه مشهور است .

اسلام علی (ع)

عن حبة بن جُوَين العُرَني ، عن علي (ع) أنّه قال : «اللّهم! إنك تعلم أنّه لم يعبدك أحدٌ من هذه الأمة بعد نبيّها (ص) قبلي و لقد عبدتك قبل أن يعبدك أحد من هذه الأمة بست سنين» . و عن ابن عباس قال : أول من أسلم علي . ۱۴

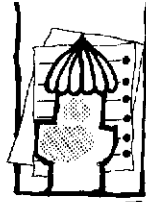
روایات متواتری وارد شده که دلالت دارند علی (ع) اولین شخصی است که مسلمان شد و در پی رسول خدا، خدای یکتا را پرستید.

۱۲ . همان، ج ۴، ص ۵۵۸ (ح ۳۹۵۰)؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۹۵ (ح ۱۰۳۱۰).

۱۳ . همان؛ ج ۶، ص ۲۴۱ (ح ۵۵۱۰) و ج ۸، ص ۲۹۷ (ح ۷۶۱۰)؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۱، (ح ۸۲۹۵)؛ و ج ۲۳، ص ۳۳۶ (ح ۷۷۹ و ۷۸۰) و ص ۳۳۴ (ح ۷۷۳) و ص ۳۳۰ (ح ۷۵۹) و ص ۳۹۳ (ح ۹۳۹).

۱۴ . المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۴۴۴ (ح ۱۷۶۷) و ج ۸، ص ۲۰۶ (ح ۷۴۲۳)؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۵۱ (ح ۱۵۶) و ص ۳۹۹ (ح ۹۵۲) و ج ۵، ص ۱۹۸ (ح ۵۰۰۲) و ص ۱۱، ج ۲۵ (ح ۱۰۹۲۴) و ص ۴۰۶ (ح ۱۲۱۵۱) و ج ۱۸، ص ۱۰۰ (ح ۱۸۱) و ص ۱۰۱ (ح ۱۸۲) و ج ۱۹، ص ۲۹۱ (ح ۶۴۸) و ج ۲۴، ص ۱۲۲ (ح ۳۶۲).





تو فقط هشدار دهنده ای و هر قومی راهنمایی دارد

[إنما أنت منذر و لكل قوم هاد]

عن علی(ع) فی قوله «انّما أنت منذر و لكل قوم هاد»^{۱۵}، قال رسول الله(ص): المنذر و الهاد رجل من بنی هاشم.^{۱۶}

من شهر دانشم و علی در آن است

[انا مدينة العلم و علی بابها]

عن ابن عباس، قال: قال رسول الله(ص): انا مدينة العلم و علی بابها، فمن أراد العلم فليأته من بابها.^{۱۷}
این حدیث، متواتر است.

برایشان (در دلهای مؤمنان) محبت می نهد

[سيجعل لهم الرحمن وداً]

عن ابن عباس، فی قوله «سيجعل لهم الرحمن وداً» قال: المحبة فی صدور المؤمنین، نزلت فی علی بن ابی طالب(ع).^{۱۸}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

فضایل امیر مؤمنان(ع)

[مناقب امیر المؤمنین(ع)]

فضایل ایشان، شرق و غرب عالم را پر کرده است. از جمله آن فضایل، این حدیث

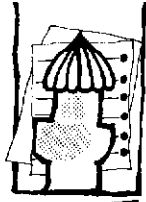
۱۵ سوره رعد، آیه ۷.

۱۶ . المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۶۱؛ المعجم الاوسط؛ ج ۲، ص ۲۱۳ (ح ۱۳۸۳) و ج ۸، ص ۳۸۳ (ح ۷۷۷۶).

۱۷ . المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۶۵ (ح ۱۱۰۶۱).

۱۸ . همان، ج ۱۲، ص ۱۲۲ (ح ۱۲۶۵۵).





پیامبر خداست کہ فرمود: أنا سیدُ ولد آدم و علی سید العرب . و قال : یا علی ! إن اللّٰه تبارک و تعالیٰ - زینک بزینة لم یزین العباد بزینة مثلها . إن اللّٰه تعالیٰ حبب الیک المساکین والدنوّ منهم ، وجعلک لهم إماماً ترضی بهم ، وجعلهم لك اتباعاً یرضون بك . فطوبی لمن احبک و صدق علیک ، و ویل لمن أبغضک و کذب علیک . فأمّا من احبک ... فهم رفقاؤک من جتک . و أما من أبغضک و کذب علیک فإنّه حق علی اللّٰه أن یوقفهم مواقف الکذابین .

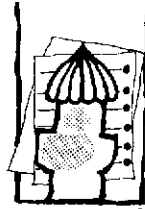
و نیز عمر می گوید : سمعت رسول اللّٰه (ص) یقول : یا علی ! یدک مع یدی یوم القیامة ؛ تدخل معی حیث أدخل .

و ابن عباس می گوید : إن علیاً کان صاحب رایة رسول اللّٰه (ص) یوم بدر . و صاحب رایة المهاجرین علیّ فی المواطن کلّها .

و بسیاری مناقب دیگر .^{۱۹}

- ۱۹ . المعجم الاوسط ، ج ۱ ، ص ۳۳۳ (ح ۵۵۹) و ص ۳۸۸ (ح ۶۷۸) و ج ۲ ، ص ۲۷۹ (ح ۱۴۹۱) و ص ۵۷۷ (ح ۱۹۹۰) و ج ۳ ، ص ۸۹ (ح ۲۱۷۸) و ص ۱۰۴ (ح ۲۲۱۲) و ص ۲۱۶ (ح ۲۴۵۳) و ص ۴۳۱ (ح ۲۹۲۹) و ج ۴ ، ص ۱۲۳ (ح ۳۱۹۶) و ص ۴۷۷ (ح ۳۸۰۸) و ص ۵۱۳ (ح ۳۸۷۴) و ص ۵۳۱ (ح ۳۹۰۳) و ص ۵۳۲ (ح ۳۹۰۴) و ص ۵۵۵ (ح ۳۹۴۶) و ج ۵ ، ص ۳۷ (ح ۴۰۶۳) و ص ۸۹ (ح ۴۱۶۲) و ج ۶ ، ص ۹۵ (ح ۵۱۹۸) و ص ۲۳۴ (ح ۵۴۹۴) و ص ۳۸۱ (ح ۵۸۱۰) و ص ۳۵۳ (ح ۵۷۵۲) و ص ۳۹۳ (ح ۵۸۳۸) و ج ۷ ، ص ۲۷۶ (ح ۶۵۳۶) و ج ۸ ، ص ۷۱ (ح ۷۱۴۲) و ص ۹۶ (ح ۷۱۹۴) و ص ۱۵۶ (ح ۷۳۱۴) و ص ۳۵۱ (ح ۷۷۱۷) و ص ۴۴۵ (ح ۷۹۱۳) و ص ۳۳۰ (ح ۷۶۷۱) و ج ۹ ، ص ۱۹۸ (ح ۸۴۲۷ و ۸۴۲۸) و ص ۲۱۴ (ح ۸۴۶۴) ؛ المعجم الکبیر ، ج ۱ ، ص ۲۹۷ (ح ۹۴۱) و ص ۲۹۸ (ح ۹۴۶) و ج ۲ ، ص ۲۷۴ (ح ۲۰۳۳) و ج ۴ ، ص ۱۹ (ح ۳۵۱۲) و ص ۲۰۵ (ح ۴۰۴۶) و ج ۵ ، ص ۲۲۰ (ح ۵۰۶۷) و ج ۶ ، ص ۲۶۳ (ح ۶۰۴۴) و ص ۲۶۳ (ح ۵۰۴۵) و ص ۲۹۲ (ح ۶۰۹۷) و ص ۳۲۵ (ح ۶۱۷۴) و ص ۳۲۹ (ح ۶۱۸۴) و ج ۷ ، ص ۳۶۹ (ح ۷۲۱۷) و ج ۸ ، ص ۴۵ (ح ۷۳۱۱) و ص ۳۶۱ (ح ۸۱۴۵) و ج ۱۰ ، ص ۸۱ (ح ۹۹۶۹) و ص ۸۲ (ح ۹۹۷۰) و ص ۹۳ (ح ۱۰۰۰۶) و ص ۱۹۳ (ح ۱۰۳۰۵) و ص ۲۰۵ (ح ۱۰۳۴۱) و ص ۲۰۶ (ح ۱۰۳۴۲ و ۱۰۳۴۳ و ۱۰۳۴۴) و ص ۲۲۶ (ح ۱۰۳۹۷) و ص ۲۹۴ (ح ۱۰۵۸۹) و ص ۳۷۰ (ح ۱۰۷۳۸) و ج ۱۱ ، ص ۶۶ (ح ۱۱۰۶۳) و ص ۷۳ (ح ۱۱۰۸۴) و ص ۹۳ (ح ۱۱۱۵۲ و ۱۱۱۵۳) و ص ۹۴ (ح ۱۱۱۵۴) و ص ۹۷ (ح ۱۱۱۶۴) و ص ۲۶۴ (ح ۱۱۶۸۷) و ص ۳۹۳





فضایل امیر مؤمنان در خطبه امام حسن (ع)

[فضائل امیر المؤمنین فی خطبة الحسن (ع)]

این خطبه را امام حسن (ع) پس از شهادت امیر مؤمنان (ع) ایراد کرد و در آن، برخی از فضایل ایشان را مانند حدیث غدیر، پرنده بریان شده، پرچم در غزوه خیبر و آن که جبرئیل در سمت راستش و میکائیل در سمت چپش بود، ذکر کرد. سپس به این نکته اشاره کرد که علی در همان روزی قبض روح شد که موسی (ع) قبض روح شد و روز عروج عیسی به آسمان و شب نزول قرآن بود، و فضایل و مناقبی دیگر.^{۲۰}

علی صاحب حوض پیامبر

[علی صاحب حوضی]

عن ابی هریره و جابر بن عبد الله، قالوا: قال رسول الله (ص): علی بن ابی طالب صاحب حوضی يوم القيامة؛ فيه اكواب كعدد النجوم. وسعة حوضی ما بین الجابية والى صنعاء.^{۲۱}

بستن در خانه ها جز خانه علی

[سدّ الابواب الا باب علی]

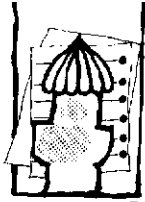
عن مصعب عن ابيه، قال: امر رسول الله (ص) بسدّ الابواب الا باب علی (ع). قالوا: يا رسول الله! سدّدت الابواب كلها الا باب علی؟ قال: ما انا سدّدت ابوابكم، و



(ح ۱۲۱۰۱) و ج ۱۲، ص ۹۹-۹۷ (ح ۱۲۵۹۳) و ص ۱۱۳ (ح ۱۲۶۳۴) و ص ۱۲۲ (ح ۱۲۶۵۳) و ص ۱۴۷ (ح ۱۲۷۲۲) و ص ۴۲۰ (ح ۱۳۵۴۹) و ص ۴۲۳ (ح ۱۳۵۵۹) و ج ۱۷، ص ... (ح ۸۲) و ج ۸، ص ۱۰۹ (ح ۲۰۷) و ج ۱۹، ص ۱۴۷ (ح ۳۲۲) و ص ۱۴۸ (ح ۳۲۴) و ج ۲۲، ص ۱۳۵ (ح ۳۶۰) و ص ۲۰۰ (ح ۵۲۶) و ص ۴۰۶ (ح ۱۰۱۷) و ص ۴۱۵ (ح ۱۰۲۶ و ۱۰۲۸) و ج ۲۳، ص ۳۷۲ (ح ۸۸۱) و ص ۳۷۳ (ح ۸۸۳) و ص ۳۷۵ (ح ۸۸۷) و ج ۲۵، ص ۶۸ (ح ۱۶۸).

۲۰. الممجم الاوسط؛ ج ۳، ص ۸۷ (ح ۲۱۷۶).

۲۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۲ (ح ۱۹۰).



لكن الله سدها. ٢٢.

بستن درها به فرمان الهی بود تا مردم، فضیلت علی (ع) را نزد خدا بدانند. این حدیث، نزد هر دو فرقه متواتر است.

نشانه بهشت و نشانه دوزخ

[آیه الجنة وآیه النار]

عن عمرو بن الحمق في حديث طويل، إلى أن قال: قال رسول الله (ص): يا عمرو! هل لك أن أريك آية الجنة، يأكل الطعام، ويشرب الشراب، ويمشي في الأسواق؟ قلت: بلى، بأبي أنت. قال: «هذا وقومه آية الجنة» وأشار إلى علي بن أبي طالب (ع). وقال لي: يا عمرو! هل لك أن أريك آية النار، يأكل الطعام، ويشرب الشراب، ويمشي في الأسواق؟ قلت: بلى، بأبي أنت. قال: «هذا وقومه آية النار» وأشار إلى رجل. فلما وقعت الفتنة، ذكرت قول رسول الله (ص) ففررت من آية النار إلى آية الجنة. ٢٣

صحيفه امام علي (ع) [صحيفة الامام علي (ع)]

عن الشعبي عن مالك الأشتر، قال: دخلت على علي بن أبي طالب (ع) فقلت: يا أمير المؤمنين! إننا إذا خرجنا من عندك سمعنا أحاديث تُحدّث عنك لا نسمعها عنك. فهل عهد إليك رسول الله (ص) شيئاً سوى كتاب الله؟ قال: لا، إلا ما في هذه الصحيفة. ثم دعا جاريته فأتته بالصحيفة فإذا فيها. ٢٤

حدیث پرچم [حدیث الراية]

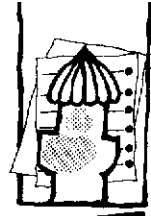
أعطاه النبي (ص) علياً بعد أن لم يبق أحد إلا وذهب بالراية وعاد خائباً. فقال (ص):

٢٢. همان، ج ٢، ص ٩٧ (ح ١١٨٨) ر ج ٤، ص ٥٥٣ (ح ٣٩٤٢)؛ المعجم الكبير، ج ٢، ص ٢٧٤ (ح ٢٠٣١).

٢٣. المعجم الاواسط، ج ٥، ص ٥٣ (ح ٤٠٩٣).

٢٤. همان، ج ٦، ص ١٣٣ (ح ٥٢٧٣).





سأعطى الراية غدأ رجلاً يُحب الله ورسوله، ويُحبه الله ورسولُه. [و در حديث ديگر]: رجلاً يفتح الله على يديه. فبات الناس يذكرون ليلتهم أيهم يعطى. فلما أصبحوا، غدوا على رسول الله (ص). فقال: أين على؟ قالوا: هو ههنا- يا رسول الله!- أرمد يشتكى عينيه. فأرسل إليه فبصق في عينيه ودعا بما شاء الله فبرأ حتى لم يكن به وجع، ثم أعطاه الراية. ٢٥

این حدیث از متواترات است.

حديث ولايت [حديث الولاية]

عن ابن بريدة، عن أبيه، قال: بعث رسول الله (ص) علياً أميراً على اليمن، وبعث خالد بن الوليد على الجبل. فقال: إن اجتمعتم فعلي على الناس. فالتقوا وأصابوا من الغنائم ما لم يُصيبوا مثله، وأخذ عليّ جارية من الخمس، فدعا خالد بن الوليد بريدة، فقال: اغتمها. فاخبر النبي (ص) بما صنع فقدمت المدينة ودخلت المسجد ورسول الله (ص) في منزله و ناس من أصحابه على بابيه. فقالوا: ما الخبر يا بريدة؟ فقلت: خير، فتح الله على المسلمين. فقالوا: ما أقدمك؟ قال: جارية اخذها عليّ من الخمس، فجئت لأخبر النبي (ص)، قالوا: فاخبره، فإنه يسقطه من عين رسول الله (ص). ورسول الله (ص) سمع الكلام، فخرج مغضباً، وقال: ما بال أقوام يتنقصون علياً؟ من يتنقص علياً فقد تنقّصني، ومن فارق علياً فقد فارقتني. إن علياً مني وأنا منه. خلّق من طينتي و خلّقت من طينة إبراهيم وأنا أفضل من إبراهيم، ذرية بعضها من بعض، والله سميع عليم. وذلك يا بريدة! أما علمت أن لعليّ أكثر

٢٥. همان، ج ٦، ص ٣٦٨ (ح ٥٧٨٥)؛ المعجم الكبير، ج ٢، ص ٢٧٥ (ح ٢٠٣٦) و ج ٦، ص ٢٠٥ (ح ٥٨٧٧) و ص ١٨٧ (ح ٥٨١٨) و ص ١٥٦ (ح ٥٧٣٠) و ص ٢٣١ (ح ٥٩٥٠) و ص ٢٤٤ (ح ٥٩٩١) و ج ٧، ص ١٤ (ح ٦٢٣٣) و ص ٤٠ (ح ٦٣٠٤) و ص ٨٩ (ح ٦٤٢١) و ج ١٨، ص ٢٣٧ (ح ٥٩٤ و ٥٩٥) و ص ٢٣٨ (ح ٥٩٦ و ٥٩٧ و ٥٩٨).



من الجارية التي أخذ، وإنه وليكم من بعدى؟ فقلت: يا رسول الله! بالصحبة إلا بسطت يدك حتى أبايعك على الإسلام جديداً؟ قال: فما فارقه حتى بايعته على الإسلام.^{٢٦}

حدیث پرندہ [حدیث الطائر]

از فضایل علی بن ابی طالب که مشهور است و نزد هر دو فرقه متواتر، آن است که پرندہ ای (پخته شده) را برای پیامبر آوردند. پس فرمود: «اللهم! ائتني باحب خلقك إليّ، يأكل معي من هذا الطائر». فجاء علی (ع) فدقّ الباب، فأجابه مالك بن أنس أن النبي علی حاجة. وهكذا النبي يدعو وعلیّ يأتي ثلاث مرات وأنس يردّه. ففي المرة الثالثة، قال له النبي (ص): افتح. فدخل أمير المؤمنين. فقال له الرسول (ص): ما حسبك رحمك الله؟ فقال: هذه ثلاث عودات، كلّ ذاك يقول لي أنس أنك علی حاجة. فقال: يا أنس! ما حملك علی ذلك؟ قلت: سمعتُ بدعوتك؛ فأردت أن يكون رجلاً من قومی.^{٢٧}

علی با قرآن است و قرآن با علی

[علی مع القرآن و القرآن مع علی]

إنه مع القرآن و القرآن معه، لا يفترقا حتى يردا علیّ الحوض.^{٢٨}

این جمله را پیامبر اکرم در مواضع بسیاری فرموده است و به وسیله آن، مقام شامخ علی (ع) را بیان می کند که او با قرآن و قرآن با اوست و از هم جدا نمی گردند تا بر حوض کوثر وارد شوند.

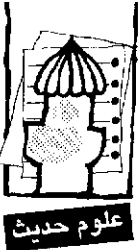
٢٦. المعجم الاوسط، ج ٧، ص ٤٩ (ح ٦٠٨١).

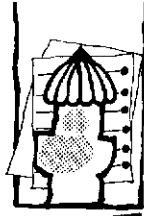
٢٧. همان، ج ٢، ص ٤٤٢ (ح ١٧٦٥) و ج ٦، ص ٤١٣ (ح ٥٨٨٢) و ج ٧، ص ٢٨٨ (ح ٦٥٥٧) و ج ٨،

ص ٢٢٥ (ح ٧٤٦٢)؛ المعجم الكبير، ج ١، ص ٢٢٦ (ح ٧٣٠) و ج ٧، ص ٩٥ (ح ٦٤٣٧) و ج ١٠،

ص ٣٤٣ (ح ١٠٦٦٧).

٢٨. المعجم الصغير، ج ١، ص ٢٥٥.





هر کس علی را دشنام دهد پیامبر را دشنام داده است

[من سبّ علیاً فقد سبّ رسول الله (ص)]

عن ابی عبدالله الجدلی، قال: قالت لی أم سلمة: أیسبّ رسول الله (ص) فیکم علی رؤوس الناس! فقلت سبحان الله، وأنتی یُسبّ رسول الله (ص)!؟ فقالت: ألیس یُسب علی بن ابی طالب ومن یُحبه؟ فاشهد أن رسول الله (ص) کان یُحبه . ۲۹

حدیث باز گرداندن خورشید

[حدیث ردّ الشمس]

عن فاطمة بنت الحسین، عن أبیها الحسین (ع)، قال: کان رأس رسول الله فی حجر علیّ و کان یوحی الیه، فلما سرّی عنه، قال: یا علی! صلیت العصر؟ قال: لا. قال: اللهم إنک تعلم أنه کان فی حاجتک و حاجة رسولک، فردّ علیه الشمس. [قال: فردّها علیه فصلی و غابت الشمس . ۳۰]

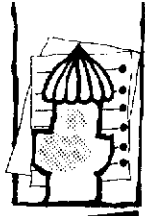
حدیث منزلت [حدیث المنزلة]

تواتر این حدیث به اندازه ای است که مجالی برای انکار و تحریف مخالفان و یا تطبیق آن بر غیر امیر مؤمنان نمی گذارد و پیامبر در مواضع فراوانی به آن تصریح کرده است. از جمله، هنگام عزیمت به جنگ تبوک که امیر مؤمنان را نزد خانواده اش باقی گذاشت و امیر مؤمنان از این کار دلگیر شد؛ زیرا برخی با تمسک به آن، بر وی خرده گرفتند. از این رو، پیامبر در جواب به آنان فرمود: الا ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی؟ ۳۱

۲۹. همان، ج ۲، ص ۲۱؛ المعجم الاوسط؛ ج ۱، ص ۲۲۸ (ح ۳۴۶) و ج ۶، ص ۳۸۹ (ح ۵۸۲۸) و ج ۲۳، ص ۳۲۲ (ح ۷۳۷) و ص ۳۲۳ (ح ۷۳۸).

۳۰. المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۴۷ (ح ۱۵۱ و ۳۹۰) و ص ۱۵۳ (ح ۳۹۱).

۳۱. المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۲۲ و ۵۴؛ المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۲۷۷ (ح ۱۴۸۸) و ج ۵، ص ۱۳۶



هفتاد عهد پیامبر با علی(ع)

[عهد النبی(ص) سبعین عهداً]

عن ابن عباس، قال: كُنَّا نتحدَّث أنّ النبی(ص) عهد إلى علی(ع) سبعین عهداً، لم

يعهدھا إلى غیره. ۳۲

امام علی(ع) و حوض کوثر

[الامام علیّ و حوض الكوثر]

امیر مؤمنان در دنیا با پیامبر خدا همراه و یار و یاورش بود و در آخرت نیز با او و صاحب حوض

اوست. پیامبر خدا فرمود: یا علی! معک يوم القيامة عصاً تذود بها المنافقين عن حوضی. ۳۳

حدیث غدیر [حدیث الغدیر]

از جمله این فضایل، حدیث «مناشدة» است. ۳۴ این حدیث را پیامبر خدا(ص) در

محلّی به نام غدیر خم و هنگام بازگشت از حجة الوداع و پس از فرمان آسمانی «یا ایها النبیّ

بلّغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلّغت رسالتی واللّه یعصمک من الناس» فرمود.

از این رو، آنچه را پیامبر(ص) در آن مکان و در زیر تابش سوزان آفتاب فرمود، از سوی

پروژه گاه علوم انسانی و مشافعات فرهنگی

مجله جامع علوم انسانی

>

(ح ۴۲۰۶) و ج ۶، ص ۱۶۱ (ح ۵۳۳۱) و ص ۳۹۴ (ح ۵۸۴۱) و ص ۴۰۴ (ح ۵۸۶۳) و ص ۲۶۴ (ح ۵۵۶۵)

و ج ۸، ص ۴۳۵ (ح ۷۸۹۰) و ص ۲۸۹ (ح ۷۵۸۸)؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۰۸ (ح ۳۲۸) و

ص ۱۱۰ (ح ۳۳۳ و ۳۳۴) و ج ۲، ص ۲۷۵ (ح ۲۰۳۵) و ج ۴، ص ۱۹ (ح ۳۵۱۱ و ۳۵۱۳) و ص ۲۰ (ح ۳۵۱۵)

و ص ۲۲۰ (ح ۴۰۸۷) و ج ۵، ص ۲۳۰ (ح ۵۰۹۴ و ۵۰۹۵) و ص ۲۵۳ (ح ۵۱۴۶) و ج ۹، ص ۲۹۱

(ح ۶۴۷) و ج ۱۱، ص ۷۴ (ح ۱۱۰۸۷) و ج ۱۲، ص ۱۸ (ح ۱۲۳۴۱) و ج ۲۳، ص ۳۷۷ (ح ۸۹۲) و

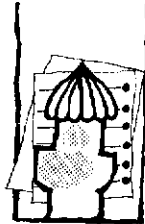
ج ۲۴، ص ۱۴۶ (ح ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶) و ص ۱۴۷ (ح ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹).

۳۲. المعجم الصغير، ج ۲، ص ۶۹.

۳۳. المعجم الصغير؛ ج ۲، ص ۸۹؛ المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۷۱ (ح ۵۱۴۹).

۳۴. آن را «مناشده» گفته اند؛ چون علی(ع) جماعت صحابه را بر آنچه شنیده بودند، گواه می گرفت.





خداست . رسول خدا در کنار غدیر «خم» ، علی را برکشید و دستش را گرفته ، به سوی آسمان چنان بالا برد که سپیدی زیر بغل هر دو هویدا شد و فرمود: ایها الناس! من كنت مولاه، فهذا علیُّ مولاه . اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله، وأدر الحق معه حيثما دار .^{۳۵}

و همه امت بر درستی این حدیث و نصب علی به امارت مؤمنان پس از پیامبر، اتفاق و اجماع دارند .

نشانه ' منافق، داشتن بغض علی (ع) است

[علامة المنافق بغض علی (ع)]

عن أبی الزبیر عن جابر، قال : ما كنّا نعرف المنافقین إلا ببغضهم علیاً .

وعن عمران بن الحصین ، أن رسول الله (ص) قال لعلی : لا یحبك إلا مؤمن ، ولا یبغضك إلا منافق .

وعن ابن عباس ، قال : نظر النبی (ص) إلى علی فقال : لا یحبك إلا مؤمن ، ولا یبغضك إلا منافق . من أحبک فقد أحبنی ، و من أبغضک فقد أبغضنی ، و حبیبی حبیب

الله ، و بغیضی بغیض الله ، و یل لمن أبغضک بعدی .^{۳۶}

این حدیث نزد هر دو فرقه متواتر است .



۳۵ . المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۶۴ و ۷۱؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۹ (ح ۳۴۸) و ج ۲، ص ۶۸ (ح ۱۱۱۵) و ص ۵۷۶ (ح ۱۹۸۷) و ص ۲۰۸ (ح ۱۳۷۳) و ج ۳، ص ۶۹ (ح ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱) و ص ۱۳۳ (ح ۲۲۷۵) و ص ۱۰۰ (ح ۲۲۰۴) و ج ۷، ص ۱۲۹ (ح ۶۲۲۸) و ص ۲۴۰ (ح ۶۴۶۴) و ص ۴۴۸ (ح ۶۸۷۸) و ج ۹، ص ۱۸۹ (ح ۸۴۲۹)؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۲۰۰ (ح ۳۰۵۲) و ج ۴، ص ۲۰ (ح ۳۵۱۴) و ص ۲۰۷ (ح ۴۰۵۲ و ۴۰۵۳) و ص ۲۰۷ (ح ۴۰۵۲ و ۴۰۵۳) و ج ۵، ص ۱۸۵ (ح ۴۹۶۸ و ۴۹۶۹) و ص ۱۹۱ (ح ۴۹۸۳) و ص ۴۹۸۵ و ۴۹۸۶ (ح ۱۹۶) و ص ۴۹۹۶ (ح ۲۱۶) و ص ۵۰۵۸ (ح ۲۱۷) و ص ۲۱۹ (ح ۸۵۰۶۵) و ص ۲۲۰ (ح ۵۰۶۶) و ص ۲۲۱ (ح ۵۰۶۸ و ۵۰۶۹ و ۵۰۷۰ و ۵۰۷۱) و ص ۲۲۹ (ح ۵۰۹۲) و ص ۲۳۱ (ح ۵۰۹۶ و ۵۰۹۷) و ص ۲۴۱ (ح ۵۱۲۸) و ج ۱۹، ص ۲۹۱ و ۶۴۶ .

۳۶ . المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۷۶ (ح ۲۱۴۶) و ص ۸۹ (ح ۲۱۷۷) و ج ۵، ص ۸۹ (ح ۴۱۶۳) و ص ۳۷۷ (ح ۴۷۴۸) .

حدیث برادری [حدیث المؤاخاة]

متون متواتری از هر دو فرقه شیعه و سنی بر این نکته رسیده است که پیامبر خدا (ص) میان یارانش (مهاجران و انصار) برادری ایجاد کرد؛ ولی میان علی بن ابی طالب و کسی برادری ایجاد نکرد. امیرمؤمنان از این نکته شگفت زده شد. از این رو پیامبر خدا به وی گفت: أما ترضی أن تكون منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه ليس بعدي نبي؟ إلا من أحبك حُفَّ بالأمن والإيمان، ومن أبغضك أماته الله ميتةً جاهليَّةً، وحوسب بعمله في الإسلام. ٣٧.

محبوب ترین مردان و زنان نزد رسول خدا

[أحب النساء والرجال إلى رسول الله (ص)]

عن ابن بُريدة عن أبيه، قال: كان أحب النساء إلى رسول الله (ص) فاطمة، ومن الرجال عليّ. وسئلت عائشة عن أحب الناس إلى رسول الله (ص) فقالت: فاطمة. ٣٨.

فاطمه (س)، سرور زنان بهشتی

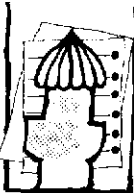
[سیده نساء أهل الجنة فاطمة]

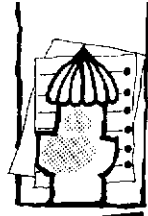
عن ابن عباس، قال، قال رسول الله (ص): سيدات نساء أهل الجنة بعد مريم ابنة عمران، فاطمة و خديجة، ثم آسية امرأة فرعون.

وقال (ص): هذا ملك من الملائكة، استاذن ربّه ليسلم عليّ وليزورني، لم يهبط إلي

٣٧. همان، ج ٨، ص ٤٣٥ (ح ٧٨٩٠)؛ المعجم الكبير، ج ٥، ص ٢٥١-٢٥٣ (ح ٥١٤٦) و ج ٨، ص ١٤٩ (ح ١٥٧٧) و ج ١١، ص ٧٥ (ح ١١٠٩٢) و ج ٢٤، ص ١٣٦ (ح ٣٦٤) و ص ١٣٧ (ح ٣٦٥).

٣٨. المعجم الاوسط، ج ٨، ص ١٣٠ (ح ٧٢٥٨)؛ المعجم الكبير، ج ٢٢، ص ٤٠٣ (ح ١٠٠٨) و ص ٤٠٤ (ح ١٠٠٩).





الأرض قبلها، وبشرني أنّ حسناً و حسيناً سيدا شباب أهل الجنة، وأمهما سيّدة نساء أهل الجنة. ٣٩

این حدیث از احادیث متواتر نزد هر دو فرقه است .

فضایل فاطمه 'زهرا(س)

[فضائل الزهراء فاطمة(س)]

مجموعه احادیثی که از طریق اهل سنت در این موضوع به ما رسیده، به حدّ تواتر می رسد و فضایل فاطمه بیش از آن است که به شماره در آید و از جمله آنهاست: أنّ النبی (ص) حينما عُرج به إلى السماء وقف على شجرة من شجر الجنة لم ير أحسن منها، فاكل منها، فصارت نطفة في صلبه، فلما هبط إلى الأرض واقع خديجة، فحملت بفاطمة، فكان إذا اشتاق إلى رائحة الجنة شم رائحة فاطمة.

و از جمله آنهاست: إنّها طاهرة مطهّرة لا تطمّث كما يطمّثن، وانهما سيّدة نساء الجنة، إنه اذا كان يوم القيامة قيل: يا أهل الجمع غصّوا أبصاركم تمرّ فاطمة بنت محمّد، فتمرّ وعليها ريطتان خضراوان. ٤٠

خدا از خشم فاطمه خشمناک و از خشنودی اش خشنود می شود

[يغضب الله لغضب فاطمة(س) ويرضى لرضاها]

قال رسول الله(ص) لفاطمة: إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك.

٣٩. المعجم الاوسط، ج ٢، ص ٦٥ (ح ١١١)؛ المعجم الكبير، ج ٢٢، ص ٤٠٢ (ح ١٠٠٣ و ١٠٠٤ و

١٠٠٥) و ص ٤٠٣ (ح ١٠٠٦) و ج ١١، ص ٣٣٦ (ح ١١٩٢٨).

٤٠. المعجم الاوسط، ج ٣، ص ١٩٦ (ح ٢٤٠٧) و ص ٣٤٨ (ح ٢٧٤٢) و ج ٥، ص ٦٧ (ح ٤١١٧) و

ج ٨، ص ٣٠ (ح ٧٠٦٠) و ص ٢٠٧ (ح ٧٤٢٤) و ص ٣٣٠ (ح ٧٦٧١) و ج ٩، ص ٦٦ (ح ٨١٣٧)؛

المعجم الكبير، ج ٢٢، ص ٣٩٧ (ح ٩٨٥) و ص ٤٠٠ (ح ٩٩٩ و ١٠٠٠) و ص ٤٠٢ (ح ١٠٠٣ -

١٠٠٥) و ص ٤٠٣ (ح ١٠٠٦ - ١٠٠٨) و ص ٤٠٦ (ح ١٠١٧ - ١٠١٩) و ص ٤٠٧ (ح ١٠٢٠) و ص ٢٢٥

(ح ٥٩٥).



وقال (ص) على المنبر: إِنَّمَا ابْتَدَى بِضَعَةِ مَنِي، يَرِينِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا. این حدیث و احادیث هم مضمون آن، نزد هر دو فرقه متواتر است. ۴۱

امام حسن و امام حسین (ع) [الحسانان]

کتاب های هر دو فرقه انباشته از فضایل روشن و مناقب والای حسن و حسین (ع)، دو سرور جوانان بهشت و فرزندان پیامبر خداست. دو کودکی که پیامبر برگردن خویش سوارشان می کرد و هرگاه یکی از آنان در میان نماز بر پشت ایشان سوار می شد، از سر احترام به وی، بلند نمی شد تا فرود آیند. آن دو فرزندی که آیه تطهیر و آیه مؤدّت در حقشان نازل گشت و مقصود از «ابناءنا/ فرزندانمان» در آیه مباهله اند و صدها فضیلت و منقبت دیگر که این مقام، گنجایش شمارش آنها را ندارد. ۴۲

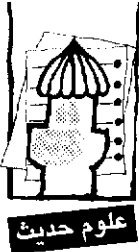
محبت پیامبر (ص) به حسن و حسین (ع)

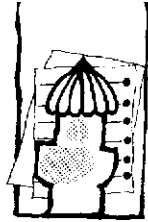
[حُبُّ النَّبِيِّ (ص) لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ]

عن أبي هريرة، قال، قال رسول الله (ص): من أحب الحسن والحسين فقد أحبني

۴۱. المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۶۳ (ح ۱۱۶۸۵) و ج ۲۲، ص ۴۰۱ (ح ۱۰۰۱) و ص ۴۰۴ (ح ۱۰۱۰) و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ (ح ۴۰۵) و ص ۴۰۳ و ۱۰۱۴.

۴۲. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۲۵۷ و ج ۲، ص ۴۵ و ۱۲۶ و ۲۰۰؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۵ (ح ۳۳۹) و ج ۲، ص ۲۰۷ (ح ۱۳۷۱) و ص ۳۱۹ (ح ۱۵۵۴) و ص ۴۸۱ (ح ۱۸۳۱) و ص ۵۲۳ (ح ۱۸۹۹) و ج ۳، ص ۱۴۴ (ح ۲۲۹۶) و ج ۴، ص ۵۸۲ (ح ۳۹۹۹) و ص ۵۴۵ (ح ۳۹۲۹) و ج ۵، ص ۴۱۸ (ح ۴۸۲۹) و ج ۷، ص ۳۶۲ (ح ۶۷۰۴) و ص ۲۳۷ (ح ۶۴۵۸) و ص ۲۷۶ (ح ۶۵۳۶) و ج ۸، ص ۳۳۰ (ح ۷۶۷۱) و ج ۹، ص ۱۰ (ح ۸۰۱۴) و ص ۶۶ (ح ۸۱۳۷)؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۱۵ (ح ۳۵۱) و ص ۲۸۹ (ح ۹۱۷ و ۹۱۸) و ص ۲۹۲ (ح ۹۲۶) و ص ۲۹۴ (ح ۹۳۱) و ج ۵، ص ۲۳۴ (ح ۵۱۰۷) و ص ۲۳۸ (ح ۵۱۲۱) و ج ۶، ص ۱۶۷ (ح ۵۷۵۹) و ص ۳۲۳ (ح ۶۱۶۸) و ج ۱۰، ص ۲۹۷ (ح ۱۰۵۹۰) و ج ۱۱، ص ۳۱۱ (ح ۱۱۸۳۸) و ص ۳۱۶ (ح ۱۱۸۵۶) و ج ۱۲، ص ۱۸۵ (ح ۱۲۸۳۷) و ج ۲۰، ص ۳۸ (ح ۵۶) و ص ۲۶۸ (ح ۶۳۵) و ص ۳۶۹ (ح ۶۳۶) و ج ۱۹، ص ۳۵۶ (ح ۸۳۳) و ج ۲۲، ص ۲۷۴ (ح ۷۰۳) و ص ۴۰۶ (ح ۱۰۱۷) و ص ۴۲۳ (ح ۱۰۴۱) و ج ۲۳، ص ۳۷۳ (ح ۸۸۲).





ومن أبغضهما فقد أبغضني .

و سلمان روایت کرده است که رسول خدا فرمود: من أحب الحسن والحسين أحببته،

و من أحببته أحبه الله، و من أبغضهما أبغضته، و من أبغضته أبغضه الله. ۴۳

حسن و حسین (ع) پسران رسول خدایند

[الحسنان أبناء رسول الله (ص)]

آیه مباهله تصریح دارد که منظور از «ابنائنا» همان حسنین (ع) فرزندان پیامبر خدا هستند. خداوند: «قل تعالوا ندعُ أبنائنا وأبنائكم...» و اسامه بن زید از پدرش روایت می کند که پیامبر را در الی دیده است که حسن و حسین را دربر گرفته بود و می فرمود: هذان ابناي وابنا فاطمة. اللهم إنك تعلم اني أحبهما. ۴۴

حسن و حسین (ع) سرور جوانان بهشت اند

[الحسن والحسين، سيدا شباب أهل الجنة]

عن البراء، قال، قال رسول الله (ص): الحسن والحسين، سيدا شباب أهل الجنة. ۴۵
این حدیث، متواتر است.

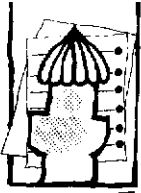
پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۴۳. المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۴۰۰ (ح ۴۷۹۲) و ج ۷، ص ۲۴۲ (ح ۶۴۶۶)؛ المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۹۶ (ح ۶۱۰۹).

۴۴. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۹۰ و ۱۹۹؛ المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۳۶ (ح ۶۲۴۱)؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۲۳ (ح ۳۷۸) و ج ۱۰، ص ۸۷ (ح ۹۹۸۴) و ج ۲۲، ص ۲۷۳ (ح ۷۰۱) و ص ۲۷۴ (ح ۷۰۲).

۴۵. المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۳۸ (ح ۳۶۸) و ج ۳، ص ۱۰۴ (ح ۲۲۱۱) و ج ۵، ص ۱۶۹ (ح ۴۳۲۹) و ج ۶، ص ۹۷ (ح ۵۲۰۴) و ص ۲۹۹ (ح ۵۶۴۰) و ج ۷، ص ۱۵۵ (ح ۶۲۸۲) و ص ۲۷۶ (ح ۶۵۳۶)؛ المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۲۹۲ (ح ۶۵۰) و ج ۲۲، ص ۴۰۳ (ح ۱۰۰۵).



آن که حسن و حسین و پدر و مادرشان را دوست بدارد

[من أحب الحسنین و أمهما و أباهما]

علی(ع): إن النبی(ص) أخذ بيد الحسن والحسين، فقال: من أحب هذين وأباهما و

أمهما كان معي في درجتي يوم القيامة. ٢٦

خبر دادن جبرئیل از کشته شدن امام حسین(ع)

[جبرائیل أخبر بقتل الحسين(ع)]

عن أبي سلمة عن عائشة، أن رسول الله(ص) اجلس حُسيناً على فخذه. فجاء

جبرائیل(ع)، فقال: هذا ابنك؟ قال: نعم. قال: أمتك ستقتله بعدك. فدمعت عينا رسول

الله(ص). قال: إن شئت أريتك تربة الأرض التي يُقتل بها. قال: نعم. فاتاه جبرائیل بترابٍ

من تراب الطف. ٢٧

سواران قیامت

[حدیث الركبان]

عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله(ص): يُحشر الأنبياء يوم القيامة على الدوابِّ

ليوافقوا من قبورهم المحشر، ويبعث صالح(ع) على ناقته، ويبعث إبنای الحسن والحسين

على ناقتي العصابة، وأبعث على البُرّاق خطوها عند أقصى طرفها، ويبعث بلال على ناقه

من نوق الجنة، فينادى بالآذان محضاً، وبالشهادة حقاً حقاً، حتى إذا قال: «أشهد أن محمد

رسول الله» شهد له المؤمنون من الأولين والآخرين، فقبُلت ممن قبُلت، ورُدّت على من

رُدّت. ٢٨

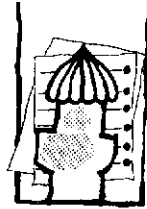
٢٦. المعجم الصغير، ج ٢، ص ٧٠.

٢٧. المعجم الاوسط، ج ٧، ص ١٧٠ (ح ٦٣١٢)؛ المعجم الكبير، ج ٨، ص ٣٤٢ (ح ٨٠٩٦) و ج ٢٣،

ص ٢٨٩ (ح ٦٣٧) و ج ٢٤، ص ٥٤ (ح ١٤١).

٢٨. المعجم الصغير، ج ٢، ص ١٢٦.





وداع ابن عمر با امام حسین (ع)

[ابن عمر ودّع الحسين]

عن الشعبي، قال: لما أراد الحسين بن علي الخروج إلى العراق، قال له ابن عمر: لا تخرج، فإن رسول الله (ص) خيّر بين الدنيا والآخرة فاختار الآخرة، وإنك لن تنالها أنت ولا أحد من ولدك. فلما أبى إلا الخروج، قال له ابن عمر: أستودعك الله من مقتول. ٤٩

امام مهدی (عجل الله فرجه)

[الامام المهدي (عجل الله فرجه)]

روایات دلالت کنندہ بر ظهور و خروج مردی از نسل محمد (ص) متواترند و اینکه او نهمین فرزند حسین (ع) است و در آخر زمان خروج می کند و زمین را از عدل و داد می آکند، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است.

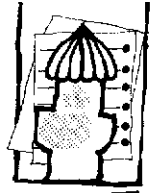
روی عن علی بن ابی طالب (ع) أنه قال للنبي (ص): أمنا المهدي أم من غيرنا يا رسول الله؟ قال: «بل منّا. بنا يختم الله كما بنا فتح، وبنا يستقذون من الشرك، وبنا يؤلف الله بين قلوبهم بعد عداوة قبيّة، كما بنا أّلف بين قلوبهم بعد عداوة الشرك». قال علي: أمؤمنون، أم كافرون؟ فقال: «مفتون وكافر». ٥٠

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



٤٩. المعجم الاوسط، ج ١، ص ٣٥٥ (ح ٦٠١).

٥٠. المعجم الصغير، ج ١، ص ٣٧ و ج ٢، ص ١٤٨؛ المعجم الاوسط، ج ١، ص ١٣٦ (ح ١٥٧) و ج ١، ص ٢٠٠ (ح ٢٨٧) و ج ١، ص ٨٩ (ح ١١٧٥) و ص ١٣٥ (ح ١٢٥٥) و ج ٦، ص ١٩٣ (ح ٥٤٠٢) و ص ٣٢٧ (ح ٥٦٩٥) و ج ٧، ص ٤٢٥ (ح ٦٨٢٦) و ص ٢٧٦ (ح ٦٥٣٦) و ص ٤٢٥ (ح ٦٨٢٦) و ج ٩، ص ١٥٠ (ح ٨٣٢١) و ج ١٠، ص ٩٥ (ح ٩١٩٩)؛ المعجم الكبير، ج ١٠، ص ١٢٤ (ح ١٠٠٨٨) و ص ١٦١ (ح ١٠٢٠٨) و ص ١٦٤ (ح ١٠٢١٥-١٠٢٢٥) و ص ١٦٧ (ح ١٠٢٢٦-١٠٢٢٨) و ص ١٦٨ (ح ١٠٢٢٩) و ١٠٢٣٠، ج ١٨، ص ٥١ (ح ٩١) و ج ١٩، ص ٣٢ (ح ٦٨) و ج ٢٢، ص ٣٧٤ (ح ٩٣٧) و ج ٢٣، ص ٢٦٧ (ح ٥٦٦).



كلمات فرج [كلمات الفرّج]

عن أبي إسحاق عن علي (ع)، قال: قال لى النبي (ص): «يا على! ألا أعلمك دعاءً إذا أنت دعوت به عُفِّرَ لك، وإن كنت مغفوراً لك؟». قال: «بلى». قال: لا إله إلا الله العليّ العظيم، لا إله إلا الله العليّ الكريم، لا إله إلا ربّ العرش العظيم».^{٥١}

این حدیث، مشهور است.

اصحاب پیامبر (ص)

[اصحاب الرسول (ص)]

عن أبي الشعثاء عن بريدة الأسلمى، عن النبي (ص)، قال: «إن جبرائيل (ع) أتاني، فقال: إن ربك يُحب من أصحابك أربعة ويأمرك أن تحبهم». فقال بعض أصحابه: سمّهم لنا يا رسول الله! فقال: «أما إن عليّاً منهم». حتى إذا كان من الغد، قالوا: يا رسول الله! النفر الذين أخبرك الله أنه يُحبُّهم ويأمرك أن تحبهم؟ فقال: «أما إن عليّاً منهم». فلما كان اليوم الثالث، قالوا: يا رسول الله! النفر الذين أخبرك الله أنه يحبهم وأمرك أن تحبهم؟ فقال: «أما إن عليّاً منهم. على وأبوذر الغفاري والمقداد بن الأسود وسلمان الفارسي».^{٥٢}

ابوذر غفارى [أبوذر الغفارى]

عن مالك بن مرثد، عن أبيه عن أبي ذرّ، قال: قال رسول الله (ص): ما تُقلّ الغبراء ولا تُظلّ الخضراء من ذى لهجة أصدق من أبي ذرّ، شبيه عيسى بن مريم.^{٥٣}

جعفر بن ابى طالب [جعفر بن أبى طالب (ع)]

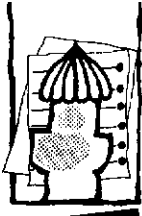
عن على بن على الهلالى عن أبيه، قال: دخلت على رسول الله (ص) فى شكايته التى

٥١. المعجم الصغير، ج ١، ص ١٢٧ و ٢٧٠؛ المعجم الاوسط، ج ٤، ص ٢٥٢ (ح ٣٤٤٥).

٥٢. المعجم الاوسط، ج ٨، ص ٧١ (ح ٧١٤٢) و ج ٨، ص ٢٨٠ (ح ٧٥٦٥) و ج ٩، ص ٤٤ (ح ٨٠٩٦) و ص ٥٥ (ح ٨١١٦)؛ المعجم الكبير، ج ١١، ص ٢٦٤ (ح ١١٦٨٧).

٥٣. المعجم الاوسط، ج ٦، ص ٦٩ (ح ٥١٤٤).





قُبض فيها، فإذا فاطمة عند رأسه، قال: فبكت حتى ارتفع صوتها، فرفع رسول الله (ص) طرفه إليها، فقال: «حبيبتى فاطمة! ما الذى يُبكىك؟» قالت: أخشى الضيعة من بعدك. قال: «يا حبيبتى! أما علمت أن الله أطلع على الأرض اطلاعة فاختر منها أباك، فبعثه برسالته، ثم أطلع على الأرض اطلاعة فاختر منها بعلك، وأوحى إلى أن أنكحك إياه يا فاطمة! ونحن أهل بيت لكم، أعطانا الله سبع خصال لم يُعط أحداً قبلنا ولا يُعطى أحداً بعدنا: أنا خاتم النبيين وأكرم النبيين على الله وأحب المخلوقين إلى الله، وأنا أبوك، ووصي خير الأوصياء وأحبهم إلى الله، وهو بعلك، وشهيدنا خير الشهداء وأحبهم إلى الله، وهو حمزة بن عبدالمطلب وهو عمّ أباك وعم بعلك، ومنا من له جناحان أخضران يطير فى الجنة مع الملائكة حيث يشاء، وهو ابن عمّ أباك وأخو بعلك، ومنا سبطا هذه الأمة، وهما ابناك الحسن والحسين وهما سيدا شباب أهل الجنة، وأبوهما -والذى بعثنى بالحق- خير منهما. يا فاطمة والذى بعثنى بالحق، إنّ منهما مهدى هذه الأمة». ٥٤

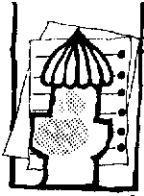
دفن فاطمه بنت اسد و ترخم پیامبر بر او

[فاطمة بنت اسد، دفنها النبي وترخم عليها]

عن أنس بن مالك قال: لما ماتت فاطمة بنت اسد بن هاشم، أمّ على (ص)، دخل عليها رسول الله (ص) فجلس عند رأسها، فقال: «رحمك الله يا أمى! كنت أمى بعد أمى، تجوعين وتشبعينى، وتعرين وتكسوننى، وتمنعين نفسك طيب الطعام وتطمعيني، تريدن بذلك وجه الله والدّار الآخرة». ثم أمر أن تغسل... ثم خلع قميصه فالبسها إياه وكفنت فوقه... فحفروا قبرها فلما بلغوا اللحد حفره بيده وأخرج ترابه بيده، فلما فرغ دخل (ص) فاضطجع فيه، ودعا لها وترحم عليها. ٥٥

٥٤. همان، ج ٧، ص ٢٨٦ (ح ٦٥٥٥) و ص ٣٥٥ (ح ٦٦٨٧) و ص ٤٧١ (ح ٦٩٢٨) و ص ٤٧٣ (ح ٦٩٣٢) و ص ٢٧٦ (ح ٦٥٣٦) و ج ٨، ص ٣٥ (ح ٧٠٦٩) و ص ٣٣٠ (ح ٧٦٧١).
٥٥. همان، ج ١، ص ١٥٢ (ح ١٩١) و ج ٧، ص ٤٧٢ (ح ٦٩٣١).





فضیلت های خدیجه دختر خُوَیِد

[فضائل خدیجه بنت خویلد]

پیامبر، هیچ یک از همسرانش را همچون خدیجه - سلام الله علیه - ستایش نکرد. او را این چنین ستود که همراه با فاطمه، برترین زنان بهشت اند و این که چهار نفر سرور بانوان اند که خدیجه از جمله آنهاست و در حدیثی دیگر فرمود: او را بر جویی از جویبارهای بهشت در خانه ای از نی می بینم که بیهودگی و رنج در آن جایی ندارد و عایشه گفته است: «هرگاه پیامبر خدا خدیجه را یاد می کرد، از ستایش او و استغفار برای وی خسته نمی گشت» و فضایل و مناقبی دیگر. ۵۶

شفاعت [الشفاعة]

حدیثنا جابر بن عبدالله، قال: کان لآل رسول الله (ص) خادم تخدمهم یقال لها بريرة. فلقیها رجل، فقال لها: «یا بريرة! غطی شعيفاتك، فإن محمداً لن یغنی عنك من الله شیئاً». فأخبرت النبی (ص)، فخرج یجر رداءه محرمة وجنتاه - و کنا معشر الأنصار نعرف غضبه بجر رداءه و حمرة وجنتیه - فاخذنا السلاح، ثم أتیناه، فقلنا: «یا رسول الله! مرنا بما شئت، فوالذی بعثك بالحق، لو امرتنا بأمهاتنا وآبائنا وأولادنا لامضینا قولك فیهم». فصعد المنبر فحمد الله وأثنی علیه، وقال: «من أنا؟». فقلنا: «رسول الله». قال: «نعم. ولكن من أنا؟». فقلنا: «انت محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف». قال: «أنا سید ولد آدم ولا فخر، وأول من تشق عنه الأرض ولا فخر، وأول من ینفض التراب عن رأسه ولا فخر، وأول داخل الجنة ولا فخر. ما بال أقوام یزعمون أن رحمتی لاتنفع؟ لیس كما زعموا. إنی لأشفع وأشفع، حتی أن من أشفع له لیشفع فیشفع، حتی إن ابلیس لیتناول فی الشفاعة». ۵۷*

۵۶. المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۷ (ح ۳-۱) و ص ۸ (ح ۴-۷) و ص ۹ (ح ۸-۱۱) و ص ۱۰ (ح ۱۱-۱۳) و ص ۱۱ (ح ۱۴-۱۶) و ص ۱۲ (ح ۱۷-۲۰) و ص ۱۳ (ح ۲۱ و ۲۲) و ص ۱۴ (ح ۲۳) و ص ۱۵ (ح ۲۴-۲۶).
۵۷. المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۳۸ (ح ۵۰۷۸) و ص ۳۸۳ (ح ۵۸۱۳) و ج ۵، ص ۲۷۵ (ح ۴۵۴۳)؛ المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۴۳۴ (ح ۱۰۶۰).

* از جناب آقای عبدالهادی مسعودی، به خاطر ترجمه این اثر، سپاسگزاریم. علوم حدیث

